

گزارش «ایران» از همایش «جنگ و امر ملی» در دانشگاه شهید بهشتی

امر ملی؛ رمز استقامت ایران

جامعه‌شناسی سیاسی

حمیدرضا حبیبی

گروه اندیشه

پژوهشکده لیزر و پلاسما دانشگاه شهید بهشتی که در جنگ رمضان مورد حمله قرار گرفت، میزبان همایش «جنگ و امر ملی» شد تا با حضور اصحاب اندیشه و اساتید دانشگاه، شرایط ایران امروز را به تحلیل بگذارد.

سخنرانان در این هم‌اندیشی از یک‌سو بر چندلایه بودن مفهوم جنگ در جهان امروز تأکید کردند و از سوی دیگر، دانشگاه را در مرکز بازتعریف امر ملی و انسجام اجتماعی نشان‌دند.

دانشگاه؛ زبان عقلانیت جامعه

وحید شالچی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تصویری چندلایه از وضعیت جامعه ایران پس‌اجنگ ارائه کرد؛ تصویری که در آن، جنگ نه فقط پدیده‌ای نظامی، بلکه شبکه‌ای درهم‌تنیده از فشارهای اقتصادی، رسانه‌ای و شناختی است و دانشگاه در قلب این وضعیت، ناشکی فراتر از آموزش و پژوهش برعهده دارد. او در آغاز سخنان خود با اشاره به وضعیت عمومی جامعه گفت: «جامعه ایران هم‌زمان درگیر رنج، داغ و ایستادگی است» و تأکید کرد که با وجود فشارها، «استوارتر از گذشته ایستاده‌ایم.» او در ادامه، دانشگاه را نه صرفاً یک نهاد آموزشی، بلکه بخشی فعال از حیات اجتماعی دانست و تصریح کرد: «جامعه دانشگاهی نیز در این لحظات بحرانی فقط قربانی جنگ نیست، بلکه وجدان بیدار جامعه ایرانی و زبان عقلانیت آن است.» این استاد دانشگاه تصریح کرد جنگی که جامعه ایران با آن مواجه است صرفاً نظامی نیست: «جامعه ایران تنها درگیر جنگ نظامی نیست، بلکه هم‌زمان با جنگ فرهنگی، رسانه‌ای و شناختی نیز مواجه است.» او حتی فراتر رفت و از شکل‌گیری نوعی «جنگ اقتصادی» برنامه‌ریزی‌شده سخن گفت که به باور او از سال‌ها پیش علیه زندگی روزمره مردم آغاز شده است. شالچی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به ابعاد قدرت‌های درگیر در این منازعه گفت: «آمریکا بالغ بر نیمی از توان اقتصادی جهان را در اختیار دارد و بودجه نظامی آن چندین برابر دیگر کشورهاست، و افزود که در کنار آن، «رژیم صهیونیستی نیز از توان نظامی بالایی برخوردار است» و این مجموعه، جنگی چندوجهی را شکل داده است.

او در ادامه، با تمرکز بر جایگاه دانشگاه ایرانی، این نهاد را برخاسته از تاریخ اجتماعی و رنج جمعی کشور دانست و تأکید کرد: «دانشگاه ایرانی، برخلاف برخی الگوهای وارداتی و نمایشی در منطقه، نهادی ریشه‌دار و برخاسته از رنج و مجاهدت استادان و پژوهشگران این سرزمین است.» به گفته او، حتی زیرساخت‌های علمی کشور حاصل «سال‌ها خون‌دل خوردن استادان و محققان است.»

شالچی با اشاره به تجربه تاریخی ایران در مواجهه با بحران‌ها، بر پایداری جامعه تأکید کرد و گفت: «ملت ایران با وجود همه فشارها، رنج‌ها و شهادت کودکان بی‌گناه، همچنان ایستاده و مقاوم‌تر از گذشته شده است.» او این مقاومت را بخشی از سرمایه تاریخی و فرهنگی جامعه ایرانی دانست که توانسته در برابر فشارهای بیرونی تاب‌آوری ایجاد کند. در بخش دیگری از سخنانش، او دانشگاه را نهادی فراتر از مرزهای سیاسی معرفی و تصریح کرد: «دانشگاه نهادی است که همه گروه‌ها، اقوام، طبقات اجتماعی و طیف‌های فکری جامعه ایران در آن حضور دارند.» به گفته او، همین ویژگی، دانشگاه را به آن متوجه همه جامعه است. او با اشاره به هدف‌گیری مراکز علمی در جنگ رمضان گفت: «آنها با حمله به پژوهشکده لیزر، دانشکده مهندسی کامپیوتر شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه صنعتی سپهبد تربیروز دیگر مراکز علمی، فقط ساختمان‌ها را هدف قرار ندادند، بلکه آینده ایران را نشانه گرفتند؛ چرا که آنها می‌دانستند ایران با تکیه بر علم و دانش از استقامت برخوردار است.» شالچی همچنین از نقش رسانه‌ها و روایت‌ها در این جنگ سخن گفت و افزود که بخشی از تلاش‌ها برای ایجاد ترافه در جامعه ایران از مسیر «بناگاه‌های آنها» با حمله به پژوهشکده لیزر، دانشکده مهندسی کامپیوتر شریف، دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشگاه صنعتی سپهبد تربیروز دیگر مراکز علمی، صورت می‌گیرد. او در همین زمینه تأکید کرد: «موشکی که به خانه‌های اصابت می‌کند، میان افراد نظامی و غیرنظامی تفاوتی قائل نمی‌شود.» در ادامه، او به نقش اجتماعی دانشگاه در حفظ همبستگی ملی پرداخت و گفت: «یکی از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه، حفاظت از سرمایه اجتماعی است ایران است.» به گفته او، هرگونه «ترقه»، حذف و طرد بخشی از مردم» در نهایت به سود دشمنان کشور تمام می‌شود.

شالچی همچنین بر نقش عاطفی و روانی دانشگاه در شرایط بحران تأکید کرد و افزود: «دانشگاه همچنین می‌تواند سیاست عاطفی جامعه در دوران جنگ را شکل دهد.» او توضیح داد که جامعه در وضعیت جنگی با «استرس، ترس، خشم، نگرانی و سوگ» مواجه است و دانشگاه می‌تواند در ترمیم این زخم‌های اجتماعی نقش ایفا کند. در نهایت، او دانشگاه را هم‌زمان «بناگاه عقلانیت، حافظ انسجام ملی و یازتاب‌دهنده رنج جامعه» دانست؛ نهادی که به تعبیر او، در خط مقدم حفظ پیوندهای اجتماعی در یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخی کشور



میرسپاسی؛ واکنش ایرانیان در داخل و خارج نشان داد که نوعی حس مشترک تعلق و مسئولیت ملی همچنان در جامعه زنده است؛ احساسی که در شرایط بحرانی خود را آشکارتر می‌کند

این استاد علوم اجتماعی معتقد است، جنگ علامه طباطبایی، با ترسیم پیوندی میان انقلاب اسلامی و وضعیت کنونی جهان، ایران را در دو مقطع تاریخی «در مرکز حوادث جهانی» توصیف کرد؛ مقاطعی که به‌ترسم او یکی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و دیگری در شرایط فعلی رقم خورده است. او در این همایش با اشاره به زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی گفت که در دهه‌های میانی قرن بیستم، جهان سوم پس از استقلال با بحران الگوی حکمرانی مواجه شد: «نسل استقلال وعده داده بود که با خروج استعمارگران، کشورها به سرعت به پیشرفت خواهند رسید، اما پس از گذشت یک تا سه دهه، نتیجه مطلوب حاصل نشد.» او افزود این کشورها میان دو الگوی غالب آن زمان، یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم، سرگردان بودند و نهایت به دنبال «راه سوم» رفتند؛ راهی که نه شرقی بود و نه غربی. به گفته او، در ایران نیز اندیشمندانی چون جلال آل‌احمد در شکل‌گیری این گفتمان نقش داشتند: «روشنگران جهان سوم به دنبال راه سوم رفتند؛ راهی که نه لیبرالیسم سرمایه‌داری باشد و نه سوسیالیسم کمونیستی.»

این استاد علوم سیاسی، با تأکید بر هم‌زمانی انقلاب اسلامی با این نیاز فکری جهانی گفت: «انقلاب اسلامی ایران با پشتوانه فکری اسلام سیاسی شکل گرفت» و افزود که اگر این انقلاب به اندازه سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ اثرگذار شود، او در ادامه با اشاره به نقش شخصیت‌هایی چون امام خمینی(ره) و دکتر علی شریعتی، اسلام سیاسی را «مصدق عینی راه سوم» دانست و تصریح کرد: «شعار نه شرقی، نه غربی ناشی نبود؛ این همان مفهومی بود که در ادبیات روشنفکری جهان سوم با عنوان راه سوم مطرح می‌شد.» این استاد دانشگاه همچنین به ساختار نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد اشاره کرد و گفت جهان میان دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود: «جهان از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ تحت نظم دوقطبی اداره می‌شد.» او افزود که در این دوره، رقابت دو بلوک عمدتاً در قالب جنگ‌های نیابتی بروز می‌یافت. خرمشاد در ادامه با اشاره به فرآیندهای انسجام‌بخش شوری و تلاش آمریکا برای شکل‌دهی به نظم تک‌قطبی گفت: «آمریکا خود را پیروز میدان دانست و تلاش کرد جهان تک‌قطبی را شکل دهد.» اما این پروژه با مقاومت قدرت‌های دیگر به نتیجه نرسید. وی وضعیت کنونی جهان را «دوران گذار طولانی‌مدت» توصیف کرد و گفت: «این دوران گذار بیش از ۳۵ سال طول می‌کشد» و همین مسأله جهان را به سمت آشوب سوق داده است.» او در بخش دیگری از سخنانش به نقش جنگ‌های اخیر در تحولات منطقه‌ای و فشارهای بین‌المللی علیه ایران اظهار کرد: «برخی تحلیلگران معتقدند جنگی که آمریکا و اسرائیل علیه ایران آغاز کردند، می‌تواند نقطه پایان این دوران گذار باشد.» خرمشاد همچنین تأکید کرد که این تحولات ایران را بار دیگر در کانون توجه جهانی قرار داده است: «مقاومت ایران در برابر فشارها و تهدیدها باعث شد دوباره ایران در مرکز توجهات جهانی قرار گیرد و به بازیگر اصلی تحولات تبدیل شود. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷، انقلاب اسلامی ایران تحولی مهم در جهان ایجاد کرد و امروز نیز جنگی که به ایران تحمیل شد، کشور را دوباره در موقعیتی تاریخی قرار داده است.» خرمشاد به حساسیت مقطع کنونی اشاره و تصریح کرد: «اکنون در شرایطی تاریخی قرار داریم و این وضعیت ایجاد می‌کند که همه ما با چشمانی باز، فرصت‌ها و مسئولیت‌ها را درک کنیم.»

امکان ساخت «ایران جدید»

محمدرضا جوادی‌یگانه، استاد جامعه‌شناسی اجتماعی و فرهنگی جنگ تحمیلی رمضان گفت و بر این نکته تأکید کرد که هدف حملات صرفاً توان نظامی یا برنامه هسته‌ای ایران نبود، بلکه «هر آنچه به عنوان ابزار قدرت و اقتدار ایران شناخته می‌شد» در معرض هدف قرار گرفت. او با قیار دادن رخدادهای اخیر در سرتاریخ اجتماعی ایران، از ظهور نوعی «شجاعت اجتماعی» سخن گفت که به باور او می‌تواند مبنای شکل‌گیری «ایران جدید» باشد. او با اشاره به حافظه تاریخی ایرانیان و حس بازگشت به گذشته‌ای پرافتخار گفت: «در تاریخ و ادبیات ایران همواره نوعی حس بازگشت به گذشته‌ای استوار ایستاده است.» او در ادامه،



که ایرانیان تصور می‌کنند در آن در موقعیتی برتر قرار داشتند.»

این استاد علوم اجتماعی معتقد است، جنگ علامه طباطبایی، با ترسیم پیوندی میان انقلاب اسلامی و وضعیت کنونی جهان، ایران را در دو مقطع تاریخی «در مرکز حوادث جهانی» توصیف کرد؛ مقاطعی که به‌ترسم او یکی در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ و دیگری در شرایط فعلی رقم خورده است. او در این همایش با اشاره به زمینه‌های فکری انقلاب اسلامی گفت که در دهه‌های میانی قرن بیستم، جهان سوم پس از استقلال با بحران الگوی حکمرانی مواجه شد: «نسل استقلال وعده داده بود که با خروج استعمارگران، کشورها به سرعت به پیشرفت خواهند رسید، اما پس از گذشت یک تا سه دهه، نتیجه مطلوب حاصل نشد.» او افزود این کشورها میان دو الگوی غالب آن زمان، یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم، سرگردان بودند و نهایت به دنبال «راه سوم» رفتند؛ راهی که نه شرقی بود و نه غربی. به گفته او، در ایران نیز اندیشمندانی چون جلال آل‌احمد در شکل‌گیری این گفتمان نقش داشتند: «روشنگران جهان سوم به دنبال راه سوم رفتند؛ راهی که نه لیبرالیسم سرمایه‌داری باشد و نه سوسیالیسم کمونیستی.»

این استاد دانشگاه، با اشاره به سنت‌های فرهنگی و مذهبی ایرانیان توضیح داد: «آنچه امروز اهمیت دارد، شکل‌گیری «ایده خیابان» به‌عنوان یک زیرساخت اجتماعی است، این ایده از عناصر مختلف فرهنگ اجتماعی ایران بهره گرفته شد: از سنت قوت و مروت مردم تا تجربه راهپیمایی اربعین، فرهنگ موکب و تجربه‌های جمعی حضور اجتماعی.» به گفته او، خیابان در این معنا «محل بروز همبستگی اجتماعی و شجاعت جمعی» است؛ پدیده‌ای که طی ماه‌های اخیر توانسته احساس ایستادگی را در جامعه تقویت کند.

در بخش دیگری از این تحلیل، جوادی‌یگانه از اسکان تولد «ایران جدید» سخن گفت؛ مفهومی که از دل تجربه بحران و همبستگی ملی سر برمی‌آورد. او تأکید کرد، جامعه ایران هنوز در میانه رخدادی تاریخی قرار دارد و به همین دلیل، فاصله لازم برای فهم کامل آن شکل نگرفته است. با این حال، از نگاه او، فضای همبستگی شکل گرفته حول نام ایران، ظرفیتی کم‌سابقه برای احیای امر ملی ایجاد کرده است: «آنچه در این ۷۰ روز رخ داده، می‌تواند آغازگر شکل‌گیری «ایران جدید» باشد؛ مشروط بر آنکه این تجربه به یک ایده ملی و فراگیر تبدیل شود.»

او در نظر او «ایران جدید» یک شعار سیاسی نیست، بلکه پروژه‌ای اجتماعی است که تحقق آن به پذیرش تکثر، تقویت اعتماد عمومی و تبدیل همبستگی مقطعی به یک ایده پایدار ملی وابسته است.



جنگ، حس تعلق ملی را تقویت کرد
علی میرسپاسی، استاد جامعه‌شناسی و رئیس مرکز مطالعات ایران‌شناسی دانشگاه نیویورک، در پیام تصویری خود به این همایش، جنگ را نه صرفاً یک رخداد سیاسی و نظامی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و افشاگر توصیف کرد: «رخدادی که به تعبیر او همچون آینه‌ای در برابر جامعه قرار می‌گیرد و لایه‌های کمتر دیده‌شده حیات اجتماعی را آشکار می‌کند. او با تأکید بر تجربه جنگ تحمیلی اخیر، از دو چهره همزمان جامعه ایران سخن گفت: «از یک‌سو همبستگی و وطن‌دوستی ایرانیان و از سوی دیگر زخم‌های اجتماعی.» «بهترین توصیف شاید این باشد که جنگ، جامعه را مانند آینه‌ای در برابر ما قرار می‌دهد و بسیاری از جنبه‌های کم‌تر دیده شده جامعه را پیش چشم می‌گذارد و قضاوت‌های ما را شفاف می‌کند. از این رو بر این باورم که جنگ، پدیده‌ای افشاگرانه است؛ یعنی ارزش‌ها و زخم‌های پنهان را به سطح جامعه می‌آورد و آشکار می‌کند.»

میرسپاسی در تحلیل خود، این تصور را که جنگ الزماً به معنای یک گسست ساختاری در جامعه است، به چالش کشید. به باور او، واکنش ایرانیان در داخل و خارج از کشور نشان داد که نوعی حس مشترک تعلق و مسئولیت ملی همچنان در جامعه زنده است؛ احساسی که در شرایط بحرانی خود را آشکارتر می‌کند. او تأکید کرد که میلیون‌ها ایرانی در جریان جنگ، فارغ از تفاوت‌های سیاسی و اجتماعی، در دفاع از کشور و مراقبت از یکدیگر نوعی همدلی کم‌سابقه را تجربه کردند: «جنگ، همراهی و همدلی و وطن‌دوستی ایرانیان را به نمایش گذاشت.»

در بخش دیگری از این تحلیل، میرسپاسی به مفهوم «میهن» پرداخت و کوشید تعریفی اجتماعی و انسانی از آن ارائه دهد. او گفت در شرایط جنگ، «میهن» دیگر صرفاً یک مفهوم تاریخی، حقوقی یا اسطوره‌ای نیست، بلکه با زندگی روزمره مردم، رنج‌ها و مسائل واقعی آنان معنا پیدا می‌کند. به اعتقاد او، اگر ایران فقط در قالب گذشته‌های باشکوه یا آینده‌های آرمانی تصور شود، «ایران اکنون» و واقعیت ملموس زندگی مردم به حاشیه رانده می‌شود؛ همان ایرانی که با دردها، امیدها و زینست روزمره شهروندان معنا می‌یابد.

ایران مستقل در برابر نظم سلطه

سعید طاووسی، مسرور، استاد تاریخ دانشگاه علامه طباطبایی، با ارائه روایتی تاریخی-تمدنی از نسبت ایران و غرب، تلاش کرد تصویر این تقابل فراتر از سطح سیاسی و نظامی بازخوانی کند؛ روایتی که در آن، دانشگاه و دانشمندان نه صرفاً بازیگران علمی، بلکه بخشی از میدان اصلی منازعه تمدنی تلقی می‌شوند.

او با تأکید بر پیوستگی تاریخی مقاومت در ایران گفت: «ایران به پشتوانه جانفشانی فرزندانش از افسران مختلف، اعم از فرماندهان، مسئولان، دانشمندان و حتی مردم عادی و کودکان، همچنان استوار ایستاده است.» او در ادامه،



ازمایشگاه تصویر برداری نوری دکتر برادران قاسمی



عکس: آنا

وحید شالچی استاد دانشگاه علامه طباطبایی

حل نشده باقی مانده است. از نظر او، این وضعیت باعث شکل‌گیری نوعی سردرگمی نظری در دانشگاه و نیز سیاست‌زدگی در فضای فکری منافع ملی باشد و زمینه سوءاستفاده دشمن را فراهم نکند. او در جمع بندی سخنان خود، براهمیت همدلی اجتماعی تأکید کرد و افزود: «حتی کسانی که از روی ناگاهی یا عصبانیت مواضع متفاوتی دارند نیز بخشی از این ملت هستند و عبور از شرایط دشوار کنونی، مستلزم کنار هم نگه داشتن تمامی ظرفیت‌های جامعه و تقویت همراهی عمومی است.»

مراقب «جنگ دیجیتال» باشیم

حسین هوشمند، استاد اخلاق تطبیقی دانشگاه کنکوردیا کانادا، در این همایش تصویری چندلایه از تحولات جنگ‌های معاصر ارائه می‌کند؛ تصویری که از میدان نظامی فراتر رفته و به عرصه‌های آموزش، اقتصاد، انرژی و حتی فناوری‌های هوش مصنوعی امتداد می‌یابد. در بخش اول، او با اشاره به هدف قرار گرفتن نهادهای علمی گفت: «بر اساس گزارش‌های موجود، دست‌کم ۲۱ دانشگاه و مؤسسه آموزشی هدف حمله نظامی قرار گرفته‌اند و این اقدام بر اساس قوانین بین‌المللی مصداق جنایت جنگی است.» او در ادامه با انتقاد از سکوت نهادهای بین‌المللی و نقش کم‌رنگ سازمان‌های جهانی، «نظارت بین‌المللی بر جنگ» را زیر سؤال برد.

هوشمند در تحلیل الگوی جدید جنگی، از مفهومی استفاده می‌کند که آن را «مدل اسرائیلی» می‌نامد؛ مدلی که صرفاً به اهداف نظامی محدود نیست و زیرساخت‌های گسترده‌تری را دربر می‌گیرد: «آنچه در این جنگ مشاهده شد، نوعی الگوی جنگی است که می‌توان آن



سمت چپ: حسین هوشمند



محمدرضا جوادی یگانه



سمت چپ: سعید طاوسی مسرور



از سمت راست: محمدباقر خرمشاد، قیاد منصوربخت

اتخاذ کرد: «ایران توانست با تکیه بر توان داخلی

و بهره‌گیری هوشمندانه از رقابت میان قدرت‌ها، آنها را به عقب براند. او در ادامه، این تجربه تاریخی را به شکل‌گیری یک منطق راهبردی در سیاست خارجی ایران مرتبط دانست و گفت: «ایران در آن دوران با استفاده از اختلاف میان قدرت‌های خارجی در جهت منافع ملی، الگویی را پایه‌گذاری کرد که بعدها «موازنه عدمی» نام گرفت.»

این استاد تاریخ، استمرار مقاومت در برابر استعمار را نه یک مقطع تاریخی، بلکه یک سنت مداوم دانست و با اشاره به چهره‌هایی چون میرمحمد و رئیسعلی دلواری گفت: «ایستادگی چهره‌هایی همچون میرمنا و رئیسعلی دلواری، گواهی بر استمرار تاریخ مقاومت ملت ایران در برابر بحران‌های ریشه‌دار استعماری است.» طاووسی مسرور در بخش دیگری از سخنان خود، بر انتخاب تاریخی ایران میان دو مسیر «وابستگی و استقلال» تأکید و اظهار کرد: «ملت ایران در طول تاریخ همواره بر سر دروازه «ایستادگی» و «وابستگی»، مسیر مقاومت را برگزیده است.» او در مقایسه‌ای تاریخی افزود که کشورهایی که امنیت خود را به قدرت‌های خارجی گره زده‌اند، در بزنگاه‌ها با بی‌اعتنایی همان قدرت‌ها مواجه شده‌اند. او در ادامه،

نگاه غرب به ایران را دارای ریشه‌های فکری تاریخی دانست و ترکیب نگاه پوزیتیویستی و تا امروز، همواره این تفکر بر غرب حاکم بوده که برخی ملت‌ها شایسته فرمانروایی و برخی دیگر سزوار تبعیت هستند.» به گفته او، این نگاه هنوز در برخی مواضع سیاسی غرب نسبت به ایران قابل مشاهده است.

او در پایان، طاووسی مسرور با تأکید بر ضرورت انسجام اجتماعی در شرایط کنونی، هرگونه

^[1] وحید شالچی، استاد دانشگاه علامه طباطبایی و معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، تصویری چندلایه از وضعیت جامعه ایران پس‌اجنگ ارائه کرد؛ تصویری که در آن، جنگ نه فقط پدیده‌ای نظامی، بلکه شبکه‌ای درهم‌تنیده از فشارهای اقتصادی، رسانه‌ای و شناختی است و دانشگاه در قلب این وضعیت، ناشکی فراتر از آموزش و پژوهش برعهده دارد

^[2] او در آغاز سخنان خود با اشاره به وضعیت عمومی جامعه گفت: «جامعه ایران هم‌زمان درگیر رنج، داغ و ایستادگی است» و تأکید کرد که با وجود فشارها، «استوارتر از گذشته ایستاده‌ایم.» او در ادامه، دانشگاه را نه صرفاً یک نهاد آموزشی، بلکه بخشی فعال از حیات اجتماعی دانست و تصریح کرد: «جامعه دانشگاهی نیز در این لحظات بحرانی فقط قربانی جنگ نیست، بلکه وجدان بیدار جامعه ایرانی و زبان عقلانیت آن است

^[3] این استاد دانشگاه تصریح کرد جنگی که جامعه ایران با آن مواجه است صرفاً نظامی نیست: «جامعه ایران تنها درگیر جنگ نظامی نیست، بلکه هم‌زمان با جنگ فرهنگی، رسانه‌ای و شناختی نیز مواجه است